





دانشکده‌ی علوم انسانی

گروه: زبان و ادبیات فارسی

مقایسه‌ی هوپ هوپ نامه‌ی میرزا علی اکبر طاهرزاده (صابر) با کلیات (نسیم شمال)

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم رنجبر

استاد مشاور:

دکتر محمد یآوری

توسط:

سمیرا موفق شکرلو

دانشگاه محقق اردبیلی

تابستان ۱۳۹۱

تقدیم به پدر و مادر مهربانم

آنان که ناتوان شدتامن به توانایی برسم

مویشان سپید شدتامن رو سفید شوم

و عاشقانه سوختند تا که ما بخش وجود من و روغنکد را هم باشند.

سپاس‌گزاری

سپاس آفریدگاری را که آغاز همه از اوست و انجام همه بدوست.

اینک در پرتو یاری خداوند سبحان که رخصت کسب علم و دانش را به من عطا فرمود و توانستم یکی دیگر از مراحل زندگی خود را پشت سر بگذارم و سپری کردن این راه را مدیون یاری خانواده، اساتید و دوستانم هستم، بر خود لازم می‌دانم مراتب قدردانی و تشکر خود را از آنان اعلام دارم.

از استاد فرهیخته و بزرگوارم جناب آقای دکتر ابراهیم رنجبر که همواره راهنما و راه‌گشای نگارنده در اتمام و اكمال این پایان نامه بوده‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم و توفیق ایشان را در خدمت به فرهنگ و ادب این مرز و بوم از خداوند متعال خواستارم. از مشاور پایان نامه جناب آقای دکتر محمد یاوری به خاطر مساعدت و همکاری‌شان کمال تشکر را دارم. از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر رامین محرمی به خاطر در اختیار قرار دادن طرح پژوهشی‌شان که گره‌گشای مشکلاتم بود بی‌نهایت سپاس‌گزارم و سپاس مهین خود را ارزانی استاد گرانقدر و فاضل جناب آقای دکتر احسان شفیقی به پاس یاری‌شان در یافتن اوزان شعری می‌کنم. از داماد بزرگوارمان آقای شاهی زاده و خواهر عزیزم که در تایپ و به نتیجه رسیدن پایان‌نامه همواره یاری‌گرم بودند و دوستان عزیزم خانم زهرا شیری و سمیرا استادی سپاس‌گزارم.

نام خانوادگی: موفق شکرلو	نام: سمیرا
عنوان پایان نامه: مقایسه‌ی هوپ هوپ نام‌ی میرزا علی اکبر طاهرزاده (صابر) با کلیات (نسیم شمال)	
استاد راهنما: دکتر ابراهیم رنجبر استاد مشاور: دکتر محمد یآوری	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: محض دانشگاه: محقق اردبیلی دانشکده: ادبیات و علوم انسانی تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۹۱/۶/۲۶ تعداد صفحه: ۲۳۴	
کلید واژه: صابر، نسیم شمال، مقایسه‌ی اشعار	
<p>چکیده: در این پایان‌نامه، مقایسه‌ای میان فکر و شعر میرزا علی اکبر طاهرزاده (معروف به صابر) (۱۸۶۲-۱۹۱۰) و سید اشرف‌الدین قزوینی (معروف به نسیم شمال) (۱۲۸۷-۱۳۵۲ ق) انجام داده‌ایم. سید اشرف‌الدین از طریق روزنامه‌ی «ملا نصرالدین» به اشعار صابر دست‌رسی داشت و از آن اقتباس‌های فراوان می‌کرد و اشعار آتشین خود را در انقلاب مشروطیت می‌سرود. اکثر مشابهت شعر این دو شاعر در مضامین و موضوعات اجتماعی و سیاسی است. از مقایسه‌ی این دو شاعر می‌توان به قسمتی از سهم مکتب آذربایجان (تبریز) در پیروزی انقلاب مشروطه پی برد. در این مقایسه بیشتر از تمام جنبه‌ها، جنبه‌های سیاسی و انقلابی را به بررسی گرفته‌ایم و نشان داده‌ایم که سید اشرف‌الدین مستقیم و غیر مستقیم مضامین و حتی واژگان تعدادی از اشعار صابر را به ترجمه و یا نقل به مضمون تکرار کرده است.</p>	

عنوان..... صفحه

فصل اول: کلیات

۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- تعریف و فرضیات	۴
۳-۱- سؤالات پژوهش	۵
۴-۱- هدف و ضرورت تحقیق	۵
۵-۱- اهداف تحقیق	۶
۶-۱- پیشینه‌ی تحقیق	۶

فصل دوم: مبانی نظری و روش تحقیق

۱-۲- مبانی نظری	۱۱
۲-۲- روش اجرای طرح	۱۴

فصل سوم: بحث و بررسی

۱-۳- سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال) و میرزا علی اکبر طاهرزاده (صابر)	۱۷
۲-۳- وضعیت جامعه‌ی عصر سید اشرف‌الدین حسینی و میرزا علی اکبر صابر	۲۰
۳-۳- بحثی در شناخت شعر «نسیم شمال» و «صابر»	۲۵
۴-۳- شیوه‌ی بیان در کلیات نسیم شمال و هوپ هوپ نامه‌ی صابر	۲۷
۱-۴-۳ واقع‌گرایی	۲۷
۲-۴-۳ شیوه‌ی بیانی عامیانه	۲۸
۳-۴-۳ شیوه‌ی بیانی طنز	۳۰
۴-۴-۳ داستان‌گویی	۳۱
۵-۴-۳ شیوه‌ی بیانی سؤال و جواب یا گفتگو در هوپ هوپ نامه	۳۲
۶-۴-۳ روش بیانی تناقض‌گویی در هوپ هوپ نامه	۳۲
۷-۴-۳ تفاوت‌ها و شباهت‌ها در شیوه‌ی بیان هر دو شاعر	۳۳
۵-۳ قالب‌های شعری در دیوان سید اشرف‌الدین حسینی و میرزا علی اکبر صابر	۳۳
۱-۵-۳ مسط	۳۵
۲-۵-۳ مسط ترجیعی	۳۷

- ۳-۵-۳ مسمط ترکیبی یا مستزاد ترجیعی ۳۷
- ۳-۵-۴ مسمط - مستزاد ۳۸
- ۳-۵-۵ مستزاد ۳۸
- ۳-۵-۶ غزل ۴۰
- ۳-۵-۷ ترجیع بند ۴۱
- ۳-۵-۸ ترکیب بند ۴۲
- ۳-۵-۹ تصنیف ۴۳
- ۳-۵-۱۰ قطعه ۴۳
- ۳-۵-۱۱ تضمین ۴۴
- ۳-۶-۶ قالب‌های شعری در هوپ هوپ نامه‌ی صابر ۴۵
- ۳-۷-۷ تفاوت و شباهت‌های قالب شعری در اشعار نسیم شمال و صابر ۴۷
- ۳-۸-۸ اوزان به کار رفته در اشعار سید اشرف‌الدین حسینی و میرزا علی اکبر صابر ۴۸
- ۳-۹-۹ تفاوت و شباهت در اوزان شعری هر دو شاعر ۵۰
- ۳-۱۰-۱۰ مضامین مشترک اشعار سید اشرف‌الدین حسینی و میرزا علی اکبر صابر ۵۰
- ۳-۱۰-۱۱ مضامین سیاسی ۵۰
- ۳-۱۰-۱۱-۱ ستایش مشروطه و تشویق مردم به وطن دوستی و انحراف مشروطه ۵۰
- ۳-۱۰-۱۲ ظلم ستیزی و مبارزه با استبداد و خفقان ۶۱
- ۳-۱۰-۱۳ انتقاد از شاه ۶۹
- ۳-۱۰-۱۴ شکایت و اعتراض به مسئولان و وکیلان مجلس و افشاگری از کار طبقات مختلف جامعه ۷۹
- ۳-۱۰-۱۵ انتقاد از حضور بیگانگان در کشور ۹۲
- ۳-۱۰-۱۶ مضامین اجتماعی ۹۸
- ۳-۱۰-۱۷ مسائل دینی ، انتقاد از روحانیان منفعل و دعوت به وحدت ۹۸
- ۳-۱۰-۱۸ حمایت از فرودستان و انتقاد از اوضاع اقتصادی ۱۰۹
- ۳-۱۰-۱۹ طرفداری از علم ۱۲۳
- ۳-۱۰-۲۰ سرزنش مردم غافل و تلاش برای بیداری آنها ۱۳۲
- ۳-۱۰-۲۱ انتقاد از فساد اخلاقی جامعه ۱۴۱
- ۳-۱۰-۲۲ انتقاد از تحول ارزش‌ها و جهل و خرافه پرستی ۱۴۶

- ۳-۱۰-۲-۶- مسئله‌ی زنان ۱۵۵
- ۳-۱۱- مضامین غیر مشترک در اشعار نسیم شمال و صابر ۱۶۶
- ۳-۱۱-۱- آداب و رسوم و پرداختن به شخصیت‌ها و فه‌رمانان و گذشته‌ی ایران ۱۶۶
- ۳-۱۲- ویژگی اشعار کودکان در کلیات سید اشرف‌الدین حسینی ۱۶۹
- ۳-۱۳- اشعار کودکان در هوپ هوپ نامه ۱۷۰
- ۳-۱۴- تفاوت‌ها و شباهت‌های اشعار کودکان در هوپ هوپ نامه‌ی صابر و کلیات نسیم شمال ۱۷۱
- ۳-۱۵- اشعار مشترک (ترجمه‌های سید اشرف‌الدین از اشعار صابر) ۱۷۲
- ۳-۱۵-۱- نقد خوش‌گذرانی و هوس بازی مردان و شکایت از ظاهری بودن دین مردم ۱۷۲
- ۳-۱۵-۲- نقد غفلت و سکوت مردم ۱۸۴
- ۳-۱۵-۳- انتقاد از اندیشه‌های خرافی مردم ۱۹۱
- ۳-۱۵-۴- انتقاد از واعظان و اولیای امور معنوی مردم ۱۹۶
- ۳-۱۵-۵- نقد اصناف مختلف جامعه ۱۹۸
- ۳-۱۵-۶- انتقاد از عدم توجه مردم به علم و ناآگاهی از ارزش آن و روی آوردن آنان به امور غیر اخلاقی ۲۰۱
- ۳-۱۵-۷- نقد تهمت کفر و تکفیر دو شاعر ۲۰۹
- ۳-۱۵-۸- نقد خفقان ۲۱۰
- ۳-۱۵-۹- نقد کسانی که مخالف با مظاهر تمدن و آگاهی مردم بودند (انتقاد از آخوندها و ملانماها) ۲۱۵
- ۳-۱۵-۱۰- نقد عدم مساوات و فاصله‌ی بین فقیر و غنی ۲۱۹
- ۳-۱۵-۱۱- نقد ریاکاری ۲۲۳

فصل چهارم: نتایج

- ۴-۱- نتیجه‌گیری ۲۲۹
- منابع: ۲۳۲

چکیده انگلیسی

ارزشیابی انگلیسی

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

پیشرفت و ترقی کشورهای غربی در آغاز قرن بیستم و عقب‌ماندگی بسیاری از کشورهای آسیایی از این کاروان، حرکت و جنبش مردم را به سوی اعتراض و در نتیجه ظهور انقلاب‌ها در بر داشت. این انقلاب‌ها بیشتر در کشورهای رخ می‌داد که سالیان درازی تحت سلطه‌ی حکومت‌های استبدادی بودند و اکنون به دلیل آشنایی با مفهوم آزادی و مشاهده‌ی پیشرفت کشورهای غربی و عقب‌ماندگی‌های کشور خود دست به شورش و انقلاب می‌زدند از جمله‌ی این انقلاب‌ها، انقلاب مردم ایران در دوران مشروطه بود که حاصل تلاش علما و نویسندگان، شاعران و روشنفکران در جهت بیداری افکار مردم بود. انقلاب مشروطیت یکی از مهم‌ترین عوامل تغییرات اجتماعی و سیاسی و مخصوصاً فرهنگی در تاریخ ایران است و از این رو مهم‌ترین تغییر سبکی را علاوه بر ایجاد تغییر در تحولات سیاسی و اجتماعی در عرصه‌ی ادبیات و شعر در پی داشت. چون بیشتر شعرای این دوره به دلیل آشنایی با غرب و روش‌های نوین آموزشی و ورود روزنامه‌ها به عرصه‌های اجتماعی و رواج مطبوعات و با تغییری که در نوع نگرش آنان به وجود آمده بود، بر خلاف شاعران دوران کلاسیک به مفاهیم سیاسی- اجتماعی توجه می‌کردند و از ادبیات به عنوان ابزاری برای اعتراض و انتقاد از اوضاع نابسامان جامعه و آگاه‌سازی مردم که عمدتاً بی‌بهره از علم و سواد بودند، استفاده می‌کردند و با استفاده از تأثیری که ادبیات در محیط اجتماعی می‌گذاشت به رشد و ترقی افکار در اعتراض به حکومت‌های مستبد کمک می‌کردند. ادبیات ایران با تأثیرپذیری از تحولات اجتماعی و سیاسی عصر مشروطه با تغییر مضامین و موضوعات شعری و حتی شکل بیان آن روبه‌رو شد. «ادبیات در دو جهت متمایز این تحول و دگرگونی را منعکس ساخت. شعر فارسی از طرفی سنت شعر درباری را وانهاد و به جای آن سنت شعر وطنی را گذاشت؛ از طرف دیگر، دستاوردهای عظیمی از شعر سنتی و قدمایی پدید آورد که در آن تأثیرات عرفانی و تعلیمی فرا نمودی از گنجینه‌ی گذشته‌ی مذهبی بود» (اژند، ۱۳۷۸: ۱۱). روشنگری و بیداری ادبی ایران در سده‌ی بیستم با کشمکش‌هایی که در جهت اصلاحات و بهبودی اوضاع عمومی به وجود آمده بود، شروع شد و شاعران و عالمان و روشنفکران نقش و سهم زیادی در این کشمکش‌ها داشتند. در این دوران شاعران بزرگی هستند که فی‌الواقع فداکاری می‌کنند و به عوض پرداختن به مسائل سنتی یا ماهوی ادبیات که ممکن بود نام آنان را در تاریخ ادبیات جاویدان کند به مسائل سیاسی روز توجه می‌کنند و در نتیجه از نظر ادبی چندان مقام نمی‌یابند، اما به لحاظ تاریخ اجتماعی دوران معاصر حائز اهمیت هستند. از جمله شاعران این دوره که شعر آنان از نظر دیدگاه تاریخی نیز جالب نظر است می‌توان بهار، لاهوتی، عارف قزوینی، سید اشرف‌الدین

حسینی، میرزاده‌ی عشقی، فرخی یزدی را نام برد که بیان روشنی از بیداری و آگاهی رو به رشد اجتماعی و سیاسی مردم هستند. ادبیات این دوره با گرایش‌هایی که به مسائل سیاسی- اجتماعی پیدا کرده بود کاملاً با ادبیات ادوار گذشته متفاوت بود و فصلی تازه در تاریخ شعر فارسی به شمار می‌رفت. یکی از رسانه‌های رسا و گویای بیان ادبی شاعران دوره‌ی مشروطیت، روزنامه‌ها بودند که در آن‌ها هر نوع نقد از اوضاع اجتماعی و سیاسی مملکت منعکس می‌شد که مورد واکنش شدید دولت قرار می‌گرفت. ناشران این روزنامه‌ها با استفاده از زبان ساده و عامیانه و با به‌کارگیری طنز اجتماعی انتقادات و نظریات خود را بیان می‌کردند. در این زمان موج روزنامه‌نگاری اوج گرفت و شرایط ناگوار جمعی انسان‌ها در آن مطرح شد. روزنامه‌ها به عنوان وسیله‌ای برای برقراری عدالت اجتماعی بودند که مناسبات غیر عادلانه سیاسی و اجتماعی را به شیوه‌ی طنز به نقد می‌کشیدند. مهم‌ترین وظیفه‌ی این روزنامه‌ها، بیدارگری اذهان مردم بود، و خوانندگان زیادی را از طریق خنداندن مخاطبان و خرده‌گیری از اعمال و رفتارهای نامناسب و شوخی با آنان، جلب می‌کردند. «این روزنامه‌ها در شرایط جدید سیاسی- اجتماعی، مسایل کهنه را به بهای تباهی آن‌ها به ریشخند می‌گیرند و ارزش‌های انسانی و اخلاقی والایی را به جای آن می‌نشانند. سالوس و ریا، اندیشه‌های باطل، کوتاه نظری و چند رنگی، دروغ زنی، درنده‌خویی، پول پرستی، خرافات و جهالت و رفتارهای پست و ناشایست و جبر و فشار قدرتمندان و شیادان را با زبانی عامه فهم و با طرزی خنده‌آور گزارش و فاش می‌کنند و نبود عدالت و آزادی را چه با کلمات و چه با تصاویر، به رخ می‌کشند. در حقیقت شرایط زمانه موجبات حضور این روزنامه‌ها را در جامعه فراهم می‌کند و دریچه‌ای نو به نقد اجتماعی می‌گشاید» (آژند، ۱۳۷۶: ۲۴۱). یکی از این روزنامه‌ها، «ملا نصرالدین» بود. هر چند این روزنامه به زبان ترکی و در قفقاز منتشر می‌شد، در ایران، به خصوص آذربایجان خوانندگان زیادی داشت. نخستین شماره‌ی آن در ۷ آوریل ۱۹۰۶ انتشار یافت و از همان آغاز لحنی نقادانه به خود گرفت و حیات سیاسی و اجتماعی را در بوته‌ی نقد قرار داد. جلیل محمدقلی‌زاده مدیر و بنیان‌گذار این روزنامه بود و صابر شعرهای آن را می‌سرود. جلیل محمدقلی‌زاده این نشریه را «زاده‌ی شرایط طبیعی زمانه» معرفی می‌کند. (آخوندوف، ۱۳۵۸: ۲۷). این روزنامه به افشای سیاست‌های ضد انقلابی تزارسم روس و انعکاس انقلاب واقعی مردم؛ نقد اصول مطلقه‌ی ممالک شرقی، مبارزه با جهل و خرافات و تعصب‌های به وجود آمده‌ای مثل پان ترکیسم و پان عربیسم؛ دعوت مردم به اتحاد و تشویق آنان به کسب علم و دانش و ... می‌پرداخت. شعرهای طنزآمیز ملانصرالدین که توسط میرزا علی اکبر طاهرزاده صابر سروده می‌شد. شاعران و نویسندگان ایرانی را تحت تأثیر خود قرار می‌داد و تحولات شعر مشروطه در ایران تا حدود زیادی به دلیل تأثیرپذیری از این روزنامه بود به خصوص در شیوه‌ی بیان طنز و اخذ مضامین. از جمله نویسندگان ایرانی که تحت تأثیر آن بود علی اکبر دهخدا و از جمله شاعران، سید اشرف‌الدین حسینی بود. سید اشرف‌الدین بیش از دیگر شاعران از این روزنامه به خصوص نویسنده‌ی آن صابر تأثیر پذیرفته است. سید اشرف‌الدین

بعضی از اشعار صابر را به زبان فارسی بر می‌گرداند؛ و در پاره‌ای دیگر نیز با اخذ مضامین و اقتباس موضوعات شعری صابر به بیان مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه خود می‌پرداخت. صابر به دلیل آشنایی با زندگی مردم ایران و وضعیت جامعه‌ی آنان همواره مردم ایران را به سوی مشروطه و انقلاب تشویق می‌کرد. او به وقایع دوره‌ی مشروطه‌ی ایران نظر داشت و در اشعار خود رویدادهای آذربایجان را وارد می‌کرد چنان چه پس از استبداد صغیر و پیروزی ملیون بر مستبدان، ترجیع‌بندی به ترکی در حق ستارخان سروده است. علاوه بر این، صابر در مورد شاه مستبد ایران، محمدعلی شاه قاجار و اعمال و رفتارهای ناشایست وی و اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و هر واقعه‌ای از مشروطه بی‌خبر نبود و راجع به آن اشعاری را می‌سرود و این تأثیر پذیری او را از اوضاع ایران نشان می‌دهد. بررسی اشعار این دو شاعر با توجه به تأثیرپذیری آنان از همدیگر در حوزه‌ی ادبیات مقایسه‌ای و تطبیقی قرار می‌گیرد که در پی این است تا آشکار کند که کدام یک از آثار، تحت تأثیر اثر دیگری به وجود آمده است و حدود تأثیر هر اثری در آثار نویسندگان اقوام دیگر چیست. در این پایان‌نامه سعی شده است که مقایسه‌ای بین فکر و شعر هر دو شاعر به عمل آید و مضامین اصلی و اساسی پرداخته شده توسط آنان، بررسی گردد تا چگونگی تلاش آنان در جهت بیداری افکار مردم تا حدودی آشکار شود.

۱-۲- تعریف و فرضیات

شعر دوره‌ی مشروطه بیش از هر چیز به ستایش میهن، حمایت از مردم مظلوم و مبارزه با استبداد توجه دارد. در این دوره نویسنده و سخنور برای ترویج اندیشه‌ی خود و پیکار با مفسد اخلاقی و ارشاد جامعه به سوی ترقی و مبارزه با خرافه‌پرستی از نیروی قلم خود مدد می‌گیرد و نقاط ضعف جامعه و راه‌های چاره را نشان می‌دهد. در نتیجه در کنار رونق گرفتن ادبیات کارگری، روزنامه‌نگاری و وسایل ارتباط جمعی رونق می‌یابد. یکی از روزنامه‌هایی که به جنبش آزادی خواهی مردم ایران کمک کرد، روزنامه‌ی «ملا نصرالدین» بود، که در باکو منتشر می‌شد. این روزنامه برخی از مفسد و معایب کشورهای شرقی را با زبان ساده و آمیخته به طنز و در قالب حکایت‌های مطایبه آمیز یادآوری می‌کرد.

«به یاری این روزنامه بعضی از شعرا و نویسندگان ایرانی، از حیث طرز اندیشه، خط مشی درست و روشنی پیدا کردند و شیوه‌های طنز نویسی و ترنم افکار مترقی را از نویسندگان آن روزنامه آموختند. به خصوص دو تن از نویسندگان مطبوعاتی و سیاسی ایران از سبک و شیوه‌ی این روزنامه بهره بردند. یکی از این نویسندگان سید اشرف‌الدین گیلانی بود که اشعار نسیم شمال را به پیروی از سبک هنری صابر سرود». (قشمی، ۱۳۷۶: ۶۰-۵۹).

میرزا علی اکبر طاهرزاده (صابر)، شاعر بزرگ ملی آذربایجان قفقاز، سراینده‌ی فکاهیات اجتماعی و انقلابی و همکار دائمی روزنامه‌ی «ملا نصرالدین» بود. برخی از اشعار دیوان او به نام «هوپ هوپ نامه» در این روزنامه چاپ می‌شد. «یک

قسمت از اشعار اشرفالدین، که از جنبه‌ی تاریخی و سیاسی (و حتی به عقیده براون از لحاظ ادبی هم) دارای اهمیت است، اقتباس یا ترجمه‌ی آزادی است از اشعار میرزا علی اکبر طاهرزاده (صابر)، گوینده‌ی قفقازی، که سید اشرفالدین آن‌ها را در اختیار خوانندگان فارسی زبان آن روز، که تشنه‌ی آزادی و خواهان برانداختن رژیم کهنه و فرسوده‌ی اجتماعی بودند، قرار می‌داد. سید اشرفالدین در این قسمت از اشعارش، در واقع مترجم و ناقل گفتار افکار صابر برای فارسی زبانان بود و حتی غالب اشعار اصیل وی نیز تا حدی صابرا نه بود». (آرین پور، ۱۳۸۲: ۶۴).

حال مسئله این است که سید اشرفالدین تا چه حدودی و در چه زمینه‌هایی از صابر متأثر شده است این تأثیر به چه میزان است. از شعری که از سید اشرفالدین در دست است، چه مقدار از ابداعات خود اوست. این مسئله را باید با مقایسه‌ی همه‌جانبه‌ی شعر اشرفالدین با شعر صابر حل کرد. بنابراین در این پژوهش سعی می‌کنیم شعر اشرفالدین را به شعر صابر عرضه کنیم و خطی روشن میان اشعار ابداعی و ترجمه‌های سید اشرفالدین از شعر صابر تعیین کرده، در عین حال به معرفی هر چه بیشتر اندیشه‌های این دو شاعر ملی و انقلابی پردازیم و همسانی‌ها و ناهمسانی‌های هنر شعری و ادبی و همچنین موضوعات و مضامین اشعار آنان را با یکدیگر مقایسه کرده و میزان اثرپذیری یا اقتباس سید اشرفالدین را از «هوپ هوپ نامه» صابر مشخص و نقش اشعار این دو شاعر را در بیداری و آگاهی مردم و امیددی که به آنان برای داشتن زندگی بهتر در آینده می‌دادند را نشان دهیم.

۱-۳- سؤالات این پژوهش عبارتند از:

- اقتباس یا اثرپذیری سید اشرفالدین گیلانی از روزنامه‌ی ملا نصرالدین در چه زمینه‌هایی است؟ در قالب یا محتوا؟ در محتوا در چه حوزه‌ی فکری: سیاسی، اجتماعی یا ...؟

- میزان موفقیت یا عدم موفقیت سید اشرفالدین در این اقتباس‌ها یا اثرپذیری‌ها تا چه حد بوده است؟

- آیا آن قسمت از اشعار سید اشرفالدین که تحت تأثیر صابر سروده شده است از کیفیت بالاتری برخوردارند یا دیگر اشعار ابداعی او؟

- هدف نهایی و اصلی سید اشرفالدین و صابر از سرودن اشعار ملی و مردمی چه بود؟ و چه تأثیری بر زندگی مردم داشت؟

۱-۴- هدف و ضرورت تحقیق

یکی از وسایل ارتباط جمعی که نقش مؤثری در زندگی و آگاهی مردم دارد روزنامه‌ها هستند که با درج مطالب دوره‌ی خود، نشان دهنده‌ی فرهنگ و وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ... آن دوره‌اند؛ از جمله نخستین روزنامه‌ها که در

دوران مشروطه آغاز به کار کردند و نقش مؤثری در زندگی مردم داشتند می‌توان به روزنامه‌های طنز و فکاهی «ملا نصرالدین» در کشور آذربایجان که صابر از نویسندگان آن بود و در ایران نیز نسیم شمال به رهبری سید اشرف‌الدین حسینی، یکی از معروف‌ترین و محبوب‌ترین شاعران عصر مشروطه، اشاره کرد که آرمان‌های مشروطه خواهی و اندیشه‌ی وطن دوستی را تا سطح ادراک توده‌های مردم تنزل می‌دادند و با بهره‌گیری از عناصر زبان و معتقدات مردم و با ترنم آرزوها و دردهای آنان، چشم کسانی را که جز زادگاه خویش نمی‌شناختند، با وسعت چشم اندازهای میهنی آشنا می‌ساختند و آنان را از دنیای بسته و محدود سنت‌ها و تفکرات کهن به دنیای نو، با همه شور و شر و زشتی و زیبایی آن رهنمون می‌شدند، بی‌گمان این‌ها خود هنرهای بزرگ و شایسته‌ی ارجی هستند. بنابراین نیازمند به مطالعه و جستجو در آثار نویسندگان این روزنامه‌ها هستیم تا با این مطالعات به چگونگی هنر شاعری این نویسندگان، نقشی که این روزنامه‌ها در بیداری افکار مردم داشتند پی برده، با استفاده از این منابع از وضعیت سیاسی و اجتماعی آن عصر اطلاعاتی را کسب کنیم.

۱-۵- اهداف تحقیق

- تعیین مرز قطعی و روشن اشعار اقتباسی و ابداعی نسیم شمال.
- تعیین جایگاه تاریخی و اجتماعی شعر صابر و نسیم شمال در بیداری و آگاهی مردم و تأثیر آن بر جامعه.
- معرفی وضع کشور ایران از لحاظ اوضاع اجتماعی از منظر اشعار نسیم شمال.
- معرفی و شناساندن هر چه بیشتر اشعار این دو شاعر از لحاظ مضمون و محتوا و هنر شعری.
- بررسی اشعار اقتباسی یا تأثیر پذیرفته سید اشرف‌الدین از هوپ‌ها و نام‌ها صابر و میزان موفقیت او در این اقتباس‌ها.
- میزان تأثیر ادبیات و روزنامه‌های کشور همسایه‌ی شمالی در زندگی اجتماعی ایران.

۱-۶- پیشینه‌ی تحقیق

کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی در مورد شعر دوره‌ی مشروطه و شاعران و نویسندگان آن وجود دارد از جمله در مورد سید اشرف‌الدین، اما اثر مجزا و مستقلی در مورد مقایسه بین اشعار و افکار میرزا علی اکبر صابر و سید اشرف‌الدین حسینی وجود ندارد از آثاری که به بررسی اشعار سید اشرف‌الدین پرداخته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- آراین پور (۱۳۸۲) در کتاب از صبا تا نیما مطالبی را در مورد طرز فکر و تأثیر گذاری میرزا علی اکبر طاهر زاده (صابر)، بر زندگی مردم ارائه داده و بعد از ذکر چند نمونه از اقتباس‌های سید اشرف‌الدین از صابر و ملا نصرالدین، ابراز کرده است که سید اشرف‌الدین در برخی از این ترجمه‌ها بسیار موفق بوده است و توانسته است خصوصیات شعر صابر را حفظ کند اما در برخی دیگر به دلیل دخل و تصرفات زیاد چندان موفق نبوده است.

ایشان در این کتاب به صورت کلی تمام اشعار سید اشرف‌الدین و صابر را از لحاظ مضمون و هنر شعری، مورد بررسی قرار نداده‌اند، بلکه به ذکر چند مورد اشاره کرده‌اند. با توجه به این موضوع در این پژوهش ما می‌خواهیم دیوان کامل سید اشرف‌الدین را با هوپ هوپ نامه صابر علاوه بر آن قسمت از اشعار اقتباس شده توسط سید اشرف‌الدین، مقایسه کرده و مرز بین این اشعار را مشخص کنیم.

۲- کریمی موغاری (۱۳۸۲) در کتاب «زندگی و شعر سید اشرف‌الدین حسینی گیلانی (شمیم نسیم)» به بررسی زندگی و شرح حال سید اشرف‌الدین و آثار و هنر شعری او پرداخته، از تأثیر روزنامه «ملا نصرالدین» و شاعر نابغه‌ی آن «میرزا علی اکبر طاهرزاده (صابر)» بر شاعران ایران و روزنامه‌های ایرانی مطالبی ارائه داده و تأثیرپذیری سید اشرف‌الدین را از صابر کاملاً آشکار می‌داند، ولی به این نتیجه می‌رسد که سید اشرف‌الدین با وجود این اقتباس‌ها نقش مؤثری در بیداری مردم و شناساندن «صابر» و طنز او به شیوه‌ی کاربرد آن به عنوان حربه‌ی مبارزه علیه استبداد داشته است و به بیان شباهت‌های زندگی فقیرانه و ساده آن‌ها می‌پردازد. ایشان در این کتاب در مورد بررسی تأثیرپذیری سید اشرف‌الدین از صابر بیشتر ناقل گفتار آربین پور است و به صورت تخصصی به بیان چگونگی؛ و نحوه‌ی اقتباس سید اشرف‌الدین از صابر نپرداخته‌اند. ما در این پژوهش سعی به آشکار کردن این اقتباس‌ها در زمینه‌ی ویژگی‌های شعر و مضمون و محتوای آن خواهیم پرداخت که در این منبع نیآورده است.

۳- عبداللهی (۱۳۸۴) در مقاله‌ی «نگاهی به اندیشه و شعر نسیم شمال» در بحث و بررسی که به عمل آورده، اساس مضامین اشعار سید اشرف‌الدین را در مذهب، حمایت از فرودستان و آزادی‌خواهی و مشروطه طلبی، طرفداری از علم و انتقاد معرفی کرده و رمز موفقیت او را در شیوه‌ی بیان عامیانه، به‌کارگیری طنز و برخورداری از لحن صمیمانه می‌داند. عبداللهی معتقد است که آن بخش از اشعار سید اشرف‌الدین که تحت تأثیر صابر شروانی است از نظر طنز و بیان از کیفیت بالاتری برخوردار است البته دیگر اشعار اصیل او را نیز از طنز قوی سرشار می‌داند و به این نتیجه می‌رسد که او با تیز بینی و دقت نظر همراه با بذله‌گویی‌های شیرین از روحی مبارز که عمیقاً با فسادها و تباهی‌ها سر ستیز دارد برخوردار است. عبداللهی در این مقاله به بررسی اساس مضامین شعری سید اشرف‌الدین پرداخته نه همه‌ی مضامین به کار رفته در اشعار نسیم شمال و در بررسی زبان شعری به طنز بودن آن اشاره کرده، دیگر ویژگی‌های شعری را چندان مورد توجه قرار نداده‌اند. ما سعی می‌کنیم این ویژگی‌ها را در شعر سید اشرف‌الدین بررسی کنیم.

۴- صدقی نیا (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «سید اشرف‌الدین حسینی، ناسیونالیست اسلام‌گرا» ابتدا سید اشرف‌الدین را بدون تردید منعکس کننده‌ی افکار سوسیال دموکرات‌های روزنامه ملانصرالدین قفقاز به خصوص میرزا علی

اکبر صابر می‌داند و تأکید سید اشرف‌الدین بر عدالت اجتماعی و دفاع پیگیر او از طبقات فرودست جامعه را که در بسیاری از سروده‌های وی انعکاس یافته است را گواه دیگر او با اصول سوسیال دموکراسی تلقی می‌کند و ایشان را سخنگوی طیف مشروطه خواهان اسلام‌گرا به شمار می‌آورد و به این نتیجه می‌رسد که خطوط اصلی دیدگاه ناسیونالیستی سید اشرف‌الدین را می‌توان در سیمای ایران آرمانی یافت. کلام او را با وجود ظاهر عامیانه، گواه آشنایی او با اندیشه‌های جدید عصر خویش می‌داند. صدری نیا در این مقاله به بیان این که سید اشرف‌الدین در زمینه‌ی افکارش متأثر از صابر بوده می‌پردازد و دیگر ویژگی‌های شعری که مورد اقتباس سید اشرف‌الدین از صابر بوده را مورد بررسی قرار نداده‌اند، ما سعی می‌کنیم این ویژگی‌های شعری را در آثار این دو شاعر ارزیابی کنیم.

۵- شیخ‌لووند (۱۳۸۴) در مقاله‌ی «بررسی درون مایه‌ی اجتماعی و انتقادی شعر سید اشرف‌الدین» به ارائه مطالبی در مورد مبارزات آزادی‌خواهانه مردم آذربایجان و ارتباط آنان با مردم ایران و پیروی سید اشرف‌الدین، از سبک و سیاق «هوپ هوپ نامه» صابر، نویسنده طنزپرداز روزنامه‌ی «ملانصرالدین» پرداخته است و علت این تأثیرپذیری را جز برای رسیدن به هدف سید اشرف‌الدین نمی‌داند و با این مقدمات او را از جمله طرفداران نواندیشی و نوگرایی و به اصطلاح امروزیان، مدر نیست‌های عصر خویش می‌داند. شیخ‌لووند در بررسی درون مایه‌ی اجتماعی و انتقادی اشعار نسیم شمال شعر (خطاب به قلم) را انتخاب کرده و این شعر را برانگیزاننده‌ی شور و غوغا در کشور و سید اشرف‌الدین را توصیف‌کننده‌ی واقعیت‌های جامعه و به نوعی واقع‌گرایی شاعرانه یا توصیف رئالیستی در شعر معاصر فارسی معرفی می‌کند و ضمن بیان این که واقع‌گرایی در شعر (خطاب به قلم) با زبان گزنده طنز و با چاشنی‌های ظریف شاعرانه در آمیخته، در پایان قلم را سلاحی می‌داند که سید با استبداد و خودکامگی و نفاق و به مبارزه برخاسته است. با مراجعه به این مقاله فقط می‌توان علت تأثیرپذیری سید اشرف‌الدین را از صابر دریافت کرد و اشاره‌ای به چگونگی این تأثیرپذیری، این که در چه زمینه‌هایی بوده نشده و از نظر زبانی نیز فقط به طنز گونه بودن آن پرداخته‌اند و دیگر ویژگی‌های زبانی عنوان نشده است. بنابراین بررسی دیگر ویژگی‌های شعری و محتوایی و زبانی اشعار این دو شاعر در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۶- گلبن (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «ملک‌الشعراء بهار و سید اشرف‌الدین حسینی»، سید اشرف‌الدین و بهار را از جمله شاعرانی می‌داند که نقش مؤثری در بیداری مردم و آگاهی آنان داشته‌اند و اشاره می‌کند که هر دو شاعر رهرو یک اندیشه مشترک هستند با این تفاوت که استاد بهار در میان بزرگان ادب ایرانی دارای جایگاه خاص بوده و زبان گویای ادبا و فضایی درجه‌ی اول کشور است ولی سید اشرف‌الدین زبان گویای قشر عوام کشور و کارش نیز همه فهم تر و عوامانه تر و در نتیجه در بیداری مردم موثر می‌باشد. در این مقاله اشعار سید اشرف‌الدین به صورت گسترده و همه جانبه مورد بررسی قرار نگرفته، فقط در مورد زبان شعری اشاره به عامیانه و طنز بودن آن شده است و از موضوعات شعری نیز به انقلابی و موثر

بودن در مورد بیداری مردم به ذکر چند نمونه پرداخته‌اند که ما می‌خواهیم این بررسی‌ها را در اشعار سید اشرف‌الدین و صابر به صورت کلی انجام دهیم.

۷- مسجد جامعی (۱۳۸۴) در سخنرانی خود در همایش بزرگداشت سید اشرف‌الدین حسینی با عنوان «شاعر ملی» به نقش موثر و انکار نشدنی سید اشرف‌الدین در تاریخ ایران، محبوبیت او در میان مردم، اعتقاد جدی و عمیق به فرهنگ در بین فرهنگ‌دوستان می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که استفاده از نگاه ترکیبی و زبان ساده و همه فهم او باعث توجه خاص و عام به اشعار او در روزنامه‌اش نسیم شمال شده است. ایشان در این مقاله به صورت تخصصی به مضامین و موضوعات به کار رفته در اشعار نسیم شمال نمی‌پردازد، تنها به طور جزئی به موضوعاتی که نشان دهنده‌ی مردمی بودن شعر اوست اشاره می‌کند و از زبان شعری او نیز بیشتر طنزگونه و انتقادی بودن آن را مطرح می‌کند. ما در این پژوهش به بررسی همه‌ی ویژگی‌ها و چگونگی شعر او از نظر محتوا و هنر شعری می‌پردازیم و جای این گونه مباحث در این اثر خالی است.

فصل دوم

مبانی نظری و روش تحقیق

۲-۱- مبانی نظری

ادبیات در مسیر رویش خود به دلیل ماهیت زنده و پویایی که دارد، ناگزیر از اقتباس، ترکیب، تأثیر و بازآفرینی است. از جمله اساسی‌ترین مباحثی که در تعاملات بین فرهنگی چند ملت مورد بررسی قرار می‌گیرد، ادبیات تطبیقی است. در ادبیات تطبیقی دو یا چند اثر بررسی و از نظر تأثیر، شباهت، افتراق و... با هم مقایسه می‌شود. «در این نوع مطالعه می‌توان علل و عوامل انتقال ادبیات از زبانی به زبان‌های دیگر را مورد بررسی قرار داد؛ انواع ادبی، موضوعات ادبی، شاعر یا نویسندگانی که در ادبیات ملت‌های دیگر تأثیر داشته است و نیز منابع و مأخذ شاعران یا نویسندگان، جریان‌های فکری و شناسایی ملتی یا ملت‌هایی از طریق ادبیات اقوام دیگر مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد» (انوشه، ۱۳۷۶: ۴۳). زادگاه ادبیات تطبیقی را کشور فرانسه می‌دانند. اولین بار این عبارت را "Fransva vilmen" به هنگام تدریس ادبیات بیگانه در سال ۱۸۲۸ در سوربن به کار برده است. در اواخر قرن نوزدهم چندین اثر مهم تطبیقی ارائه شده و این آثار، پژوهش‌های دیگری را تا اواسط قرن بیستم سبب شده است. فرانسه پیشگام این علم است و نخستین کنگره‌ی آن را در سال ۱۸۷۸ در پاریس به مدیریت Viktor hogo و کنگره‌ی بعدی در سال ۱۹۰۰ در همین شهر برگزار شده است. نخستین کتاب شناسی ادبیات تطبیقی هم به همت "LOII POL BETZ" در سال ۱۸۹۷ تهیه و به وسیله‌ی " Baldenes " "PARGE" در فرانسه منتشر شده است. این نوع ادبی به عنوان ابزاری برای شناخت ادبیات ملت‌های مختلف تبدیل شده است. «پیشینه‌ی ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های ایران به حدود شصت سال می‌رسد، اولین کرسی این رشته را استاد گران مایه‌ی فقید، مرحومه دکتر فاطمه‌ی سیاح، در دانشگاه تهران بنیان نهاد» (ایل‌میراد، ۱۳۷۹: ۳). بعدها مرحوم جواد حدیدی این راه را ادامه داد و کسانی چون زرین کوب، مینوی، سید جعفر سجادی، ابوالحسن نجفی، اسلامی ندوشن و... در این باره سخن گفته‌اند. ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از نقد ادبی است که از روابط ادبی ملل مختلف و از انعکاس ادبیات ملت‌ها در یکدیگر سخن می‌گوید؛ به عبارت دیگر ادبیات تطبیقی بررسی تصویر و انعکاس ادبیات و فرهنگ ملتی است در ادبیات ملت یا ملت‌های دیگر. نفوذ ادبی یا از طریق نفوذ شاعر یا نویسنده بر شاعر یا نویسنده در داخل همان کشور است مانند تأثیر نظامی، حافظ، سعدی، فردوسی بر شاعران دیگر یا خارج از آن کشور که بررسی آن را ادبیات تطبیقی می‌گوییم؛ مثل تأثیری که حافظ بر گوته داشته است به هر حال ملت‌ها از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند این تأثیرپذیری چه در زمینه‌های فرهنگی و ادبی باشد و چه در دیگر زمینه‌ها، می‌تواند از طرق مختلف مثل جنگ‌ها و مهاجرت‌ها و... به یکدیگر منتقل شوند و باعث تعامل بین فرهنگ‌ها و پیدایی ادبیاتی جدید شوند. نیاز ادبا و نویسندگان به یکدیگر و ادبیاتی غیر از ادبیات خود؛ به جهانی شدن و گسترش و رویش هرچه بیشتر ادبیات کمک کند. اجتماع بستر مناسب و دقیقی برای خلق آثار مختلف

مثل آثار ادبی است ادبیات از تحولات و حوادث جامعه تأثیر می‌پذیرد و در مقابل جامعه نیز تحت تأثیر آثار ادبی قرار می‌گیرد یکی از دوران‌هایی که تحت تأثیر آثار نویسندگان و شعرای عصر خود قرار گرفت، دوران مشروطه بود که شاعران و نویسندگان این دوره از تحولات و اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر خود تأثیر می‌پذیرفتند و آثار خود را به وجود می‌آوردند «جریانات انقلاب مشروطه، زبان ادبی به ویژه شعر را از سلطه دربار و تکلف ادبی ناشی از آن رها کرد و با خروج شعر و نثر از انحصار خواص، موجب رواج آن‌ها در میان عامه شد این رهایی نیز به نوبه‌ی خود بر روند انقلاب مشروطه و پیروزی آن اثر گذاشت؛ ادبیات برای اولین بار آینه انعکاس دردها و رنج‌های مردم به زبان آنان شد و این امر به نوبه‌ی خود موجب نشر حقایق در میان مردم، بالا رفتن آگاهی سیاسی و در نتیجه ترغیب آنان به انقلاب شد» (حسن لی - پارسا، ۱۳۸۴: ۱۲۳). هر نویسنده و شاعری بیش از هر کس و هر چیزی، از محیط اجتماعی و طبیعی خود متأثر می‌شود. سید اشرف‌الدین حسینی از جمله شعرای دوران مشروطیت است که تحت تأثیر محیط زندگی خود، اشعار انقلابی فراوانی سروده است و نقش به‌سزایی در پیشبرد اهداف انقلاب مشروطه داشته است. گویندگان و نویسندگان ایرانی در آغاز مشروطیت قالب شعر کلاسیک را که به صورت قصیده و غزل با تعبیرات مخصوص خود بود؛ برای بیان اندیشه‌ها و افکار خود مناسب نمی‌دیدند تا این که روزنامه «ملانصرالدین» که در تفلیس آذربایجان منتشر می‌شد نظر نویسندگان ایرانی را به خود جلب کرد. «ذکر این نکته ضروری است که در آن ایام بین مردم گیلان و آذربایجان شوروی و قفقاز ارتباط وسیعی وجود داشت کارگران گیلانی که در چاه‌های باکو کار می‌کردند، از نزدیک شاهد مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی مردم سرزمین‌های روسیه بودند و با آنان همراهی و هم‌فکری می‌کردند. روزنامه‌های آنان را می‌خواندند و از آنان چیزها می‌آموختند و در بازگشت به گیلان، روزنامه‌های قفقازی را که به سبکی نو و زبانی ساده نوشته می‌شد، با خود می‌آوردند بدین گونه گیلانیان ارتباطی تنگاتنگ با هم‌نژادان و هم‌دینان خود داشتند و بی‌شک تأثیر پذیری و هم‌دردی آنان از یکدیگر بسیار زیاد بوده است» (کریمی موعاری، ۱۳۸۰: ۴۶). این روزنامه ندای آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی و مبارزه با ظلم و فساد را سر می‌داد. تعدادی از شعرا و نویسندگان ایرانی که به زبان ترکی - آذربایجانی آشنا بودند با تأثیرپذیری از حیث طرز اندیشه و بیان این روزنامه بود که شیوه‌ی بیان افکار خود را پیدا کردند از جمله‌ی این نویسندگان کسانی مانند لاهوتی، سید اشرف‌الدین حسینی، میرزا علی اکبر دهخدا، معجز شبستری و افراشته بودند. تأثیر ملا نصرالدین بر شاعران ایران و روزنامه‌های ایران چنان است که استاد شهریار در چکامه‌ای زیبا، روزنامه‌ی ملا نصرالدین و شاعر نابغه‌ی آن، میرزا علی اکبر طاهرزاده (صابر) را ستوده است:

از روزنامه‌هاش اکنون عتیقه است	یک ملانصرالدین که تکان داد شرق را
با آن کاریکاتورها که نظیرش نیامده است	او مادری که (صوراسرافیل) زاد از او
وز شاعران او چه بگویم خدای را	یک صابرش به هر چه که شاعر قلم کشید
در انقلاب و مشروطه رهبر اوست	بیدار کرد خفته اندیشه با قلم (قشمی، ۱۳۷۶: ۵۷).